

# دگر شیر خدا از بستر خود بر نمی‌خیزد

19 اسفند 1404

نماز را کشتند،

آسمان را به خون نشانند،

هستی بی پدر شده است

عدالت به پایان خط رسیده است،

ظلمت بر جهان حکم فرما شده است

و همه می‌دانند که عالم هیچ‌گاه چون علی نخواهد دید

و چون علی نخواهد آمد

و چون علی نخواهد زاد

\*\*\*\*\*

علی افتاده از پا و حسن باشد پرستارش  
پرستاری چو پروانه به دور شمع بیمارش  
چه کرده تیغ ابن ملجم کافر مگر با او  
که رفته تاب دیگر از تمام جسم نزارش  
ز شمشیری که بر فرق علی بنشست راحت شد  
ببین فزت و رب الکعبه را از سوز گفتارش  
دگر شیر خدا از بستر خود بر نمی‌خیزد  
که رنگین گشته از خون سر او ماه رخسارش  
خجل شد قاتل سنگین دل از لطف و عطای او  
دهد سهم غذای خود به او قربان ایثارش  
گرفته زانوی غم در بغل پیری به ویرانه  
که نان آور چرا دیگر نمی‌آید به دیدارش

برای دیدنش از جنت آید حضرت زهرا  
زیارت می‌کند با روی نیلی صورت یارش

سیدرضا موید